

دریچه

روسیه و عدم توازن در سیاست‌های قفقازی

سفر دیمیتری مدودف، رئیس فدراسیون روسیه به آذربایجان، با عقد چهار قرارداد به پایان رسید، به گزارش خبرگزاری دولتی «آذرتاج» آذربایجان، این قراردادها در زمینه افزایش صادرات گاز آذربایجان به روسیه تا سقف دو میلیارد مترمکعب تا پایان سال ۲۰۱۱، استفاده از منابع آبی رود «سامور» واقع در مناطق «لرگی» نشین مرزی دو کشور و تعیین دقیق خطوط مرزی دولتی است. الهام علی‌اف روز جمعه بافلاصله بعد از استقبال رسمی همتای روسی خود، پشت درهای بسته مذاکراتی انجام داد که هیچ اطلاع رسمی از ماهیت و موضوع مذاکرات منتشر نشده است.

با این همه، قبل از سفر مدودف «ریانووستی» خبرگزاری دولتی روسیه، به استناد به یک منبع آگاه کرملین گزارش داده بود که مسائل قره باغ، همکاری‌های فنی – نظامی مسکو و باکو و مسائل بین‌المللی از جمله وضعیت ایران در زمان دیدار «دیمیتری مدودف» رئیس‌جمهوری روسیه از آذربایجان مورد بحث قرار خواهد گرفت. سفر مدودف به آذربایجان دو هفته بعد از سفر وی به ارمنستان انجام شده است. طی دیدار رسمی سران روسیه و ارمنستان، سند همکاری نظامی امضا شد که شامل تمدید استفاده از پایگاه «۱۰۲-ام» روسیه در شهر گومری ارمنستان تا ۴۹ سال و استفاده از تجهیزات این پایگاه برای دفاع از منافع ملی ارمنستان می‌شود؛ موضوعی که برخلاف انتظار، واکنشی از طرف مقامات آذربایجان که ۲۰ درصد اراضی خود را در اشغال ارمنستان می‌دانند، دیده نشد.

وفاقی‌زاده مشاور حیدر علی‌اف رئیس‌جمهوری سابق آذربایجان (پدر الهام علی‌اف رئیس‌جمهور کنونی) بر این باور است که آذربایجان تمایلی برای سردی روابط با روسیه ندارد. به گفته وی اشتغال قره‌باغ کوهستانی توسط ارمنستان، با کمک نظامی و حمایت روسیه انجام شد و روسیه از ارمنستان به عنوان ابزار کنترل منطقه استفاده می‌کند، لذا همکاری نظامی روسیه و ارمنستان چیز جدیدی نیست که آذربایجان را شگفت‌زده کند. مطبوعات وابسته به اپوزیسیون آذربایجان طی دو هفته گذشته، با انتقاد شدید از روسیه، حکومت را به اتخاذ تدابیر سختگیرانه نسبت به روسیه دعوت کرده‌اند؛ از عضویت در ناتو، نزدیکی بیشتر به غرب، کاهش روابط اقتصادی با مسکو تا، عدم تمدید اعتبار قرارداد واگذاری رادار «قبله» روسیه که در ۲۰۱۲ به اتمام خواهد رسید و همچنین ایجاد یک پایگاه نظامی توسط ترکیه در نخجوان. بیشتر مقامات آذربایجان با غیرکارآمد خواندن میناچگیری‌های دو دهه گروه مینسک به رهبری امریکا، روسیه و فرانسه بر سر قره‌باغ کوهستانی، بر لزوم آزادسازی اراضی اشغال‌شده یا اعمال نظامی تأکید کرده بودند. چیزی که با تمدید قرارداد نظامی و تغییر ماهیت این قرارداد مبنی بر استفاده از پایگاه نظامی ۱۰۲-ام روسیه برای حفاظت از منافع ملی ارمنستان عملاً ناممکن به نظر می‌رسد.

قلی‌زاده به رغم «دشمن اصلی» خواندن روسیه، بر این باور است که سیاست «تحمّل‌گرایی» دولت الهام علی‌اف



عاقله‌انه است و نباید روابط با روسیه را به تشنج بکشاند. به گفته وی آزادسازی اراضی اشغالی با وجود قدرتی اتمی مانند روسیه عملاً ناممکن است و آذربایجان باید با صبر و بردباری روند دیپلماتیک حل مناقشه قره‌باغ را ادامه دهد. نینوکنتی آدیاسوف عضو شورای تحلیلی مجلس دومای روسیه در مقاله‌ای که در «ریانووستی» منتشر کرده، هدف سفر مدودف به آذربایجان را تالش برای اتخاذ «سیاست سنجیده و متعادل» میان آذربایجان و ارمنستان عنوان می‌کند. مولف بر این باور است که «باکو در حال حاضر نه‌تنها به تسلیحات روسی بلکه به حمایت سیاسی روسیه نیاز دارد». اشاره آدیاسوف به موضوع تحویل سامانه ضدوششی اس-۳۰۰ از نوع «فادوس-II» است که سال قبل میان «روس آبرون کسپوپورت» و وزارت دفاع جمهوری آذربایجان امضا شده است. اگرچه شرکت روس آبرون اکسپوپورت این موضوع را تکذیب کرد، با این همه، وزارت دفاع آذربایجان با تأیید این موضوع از اعزام هیاتی از نظامیان آذربایجان به «کادمی نظامی بافاندن هوایی» روسیه جهت آشنایی با سیستم سامانه ضدوششی اس-۳۰۰ خبر داد. قلی‌زاده بر این باور است که صحبت از اتخاذ سیاست متوازن توسط روسیه در قفقاز غیرمنطقی است؛ «نه در دوره تزار، نه شوروی و نه پس از فروپاشی آن مسکو سیاست متوازنی میان آذری‌ها و ارمنه اتخاذ نکرده است.» وی در مورد امید به آزادسازی قره‌باغ کوهستانی می‌گوید: «آذربایجان همچون دوره تزار و اتحاد شوروی، چارهای جز به انتظار نشستن برای فروپاشی روسیه کنونی ندارد و هر گونه اقدام نظامی برای آزادسازی اراضی اشغال‌شده بی‌معنی است.»

رasmus موسی یک‌اف دیگر کارشناس سیاسی آذربایجان با معقول خواندن سیاست «سکوت» آذربایجان مقابل همکاری‌های نظامی روسیه و ارمنستان بر این باور است که باکو بر این موضوع واقف است که نوع تعامل و نگرش روسیه نسبت به آذربایجان و ارمنستان فرق دارد. «روسیه به آذربایجان به عنوان پارتنر و همکار اقتصادی نگاه می‌کند، لیکن ابروان را به عنوان متفق استراتژیک خود قلمداد می‌کند.» موسی یک‌اف بر این عقیده است که ماهیت همکاری‌های نظامی روسیه و ارمنستان تغییری نکرده است. به گفته وی، هر دو کشور «عضو پیمان امنیت جمعی» هستند، یعنی بالذاته، روسیه در قبال امنیت ارمنستان مسؤول است. از طرفی، روسیه یک بار به میزان یک میلیارد و بار دیگر به میزان ۸۰۰ میلیون دلار تجهیزات نظامی به ارمنستان بخشیده است و از همه مهم‌تر، پیمان نظامی- امنیتی قبلی میان روسیه و ارمنستان که در سال ۱۹۹۵ امضا شده، حتی اگر هم اکنون تمدید هم نمی‌شد، تا ۱۰ سال دیگر اعتبارش باقی بود و با این اوصاف تغییری «حداقل در وضعیت کنونی» انجام نشده است.

منابع

سفر تازه امریکا در عراق دشواری‌های بسیاری پیش‌رو دارد

ماموریت غیر ممکن

در هفته‌ای که گذشت، کتاب تونی‌بلر وارد بازار نشر شد تا خوانندگان مشتاقان، این اعتراف را از زبان

نخست‌وزیر بریتانیای زمان اشغال عراق بخوانند که«حوادث پس از حمله به عراق شبیهه کاپوس بود». اواما اما در پیمایی که- برای اعلام پایان رسمی جنگ عراق - داد از تعبیر کاپوس استفاده نکرد، اگرچه تأکید او بر «هزینه هنگفت» این جنگ و «ضرورت توجه بیشتر به اقتصاد داخلی» نشان می‌داد فحواى سخنان وی نیز چندان تفاوتی با بلر ندارد. اکنون پایان رسمی جنگ و اشغال عراق اعلام شده است و یگان‌های رزمی امریکا در حال ترک «سرزمین رافدین» هستند اما همچنان که «ری اودیرنو» فرمانده نیروهای امریکایی مستقر عراق به پایان ماموریت ۵۵ ماهه خود رسیده است، برای جیمز فرانکلین جفری سفیر جدید امریکا در عراق همه چیز تازه آغاز شده است.

سفارت امریکا در منطقه حفاظت‌شده موسوم به منطقه سبز -از نظر شمار کارمندان و تاسیسات- بزرگ‌ترین سفارتخانه امریکا در سراسر جهان است اما در سایه حضور پرنرگ

و پنتاگون و چکمه‌پوش‌های امریکایی ایسن فرماندهان نیروهای امریکایی مستقر در عراق بودند که تاکنون با فیگورهایی که تداعی گر فیلم‌های هالیوودی است؛ زیر نور فلاش دوربین خبرنگاران لیچند پیروزمندانۀ نظامی می‌زدند یا برای تروربست‌ها خط و نشان می‌کشیدند، اکنون اما به نظر می‌رسد با پایان ماموریت نظامیان، دوران جدیدی در عراق آغاز شده است؛ دورانی که در آن خبرنگاران باید به دنبال رصد لیخندهای دیپلماتیکی باشند که فاز جدیدی از حضور ایالات متحده در عراق را ترسیم می‌کند.

جیمز جفری سفیر جدیدی است که کاخ سفید سکان سیاست خارجی امریکا در عراق پس از اشغال را به او داده است؛ مردی که با برجسته‌تر شدن نقش سفارت امریکا پس از خروج نظامیان، مسوولیت سنگینی را بر عهده خواهد داشت. نام جیمز جفری برای عراق چندان ناآشنا نیست زیرا بسیاری از تحلیلگران او را به عنوان سیاستمداری می‌شناسند که در سال‌های آغازین جنگ به عنوان «معاون مشاور امنیت ملی امریکا» نقش موثری در جهت‌گیری‌های دولت داشت و برخی نیز از او به عنوان «مرد پشت پرده» پرورنده عراق یاد می‌کنند. سفیر جدید امریکا در عراق- چه آن زمان که به عنوان سفیر کشور متبوع خود در زمان بوش راهی آنکارا شد و چه اکنون- نشان داده است در مشی دیپلماتیک خود بیش از هر چیز بر عنصر «سرعت» و «سازگاری با تحولات» تکیه دارد و وجود این خصیصه آنگاه مستحکم‌تر می‌شود که در نظر داشته باشیم وی پیش از عزیمت به عراق و هنگام ادای سوگند در برابر سنا چنین می‌گوید: «عراق، اکنون شاهد دوران دگرگونی‌های سریع است و ضروری است سیاست‌های امریکا نیز با در نظر داشتن این دگرگونی‌ها تحول یابد و با آن سازگار شود.» البته جیمز جفری به این سخنان بسنده نکرده است و اگر به اخبار هفته گذشته عراق نگاهی بیندازیم به خوبی متوجه می‌شویم که او باافاصله(۱۸ آگوست) پس از ورود به عراق برای تقدیم استوارنامه به دیدار «جلال طالبانی» رئیس‌جمهور و «هوشیار زیباری» وزیر امور خارجه می‌رود. جلسه‌ای که اگرچه ایسن بار جفری در کمسوت سفیر در آن حاضر شده است اما برای او نخستین تجربه نبود زیرا پیشتر نیز جیمز جفری- در دوره کاندولیزا رایس وزیرخارجه وقت امریکا- به دفعات با این دو مقام عراقی دیدار کرده است. سفیر جدید امریکا در همان روز تقدیم استوارنامه، به دیدار نوری المالکی نخست‌وزیر هم می‌رود و چند روز بعد نیز عازم اقلیم کردستان می‌شود تا با سران این منطقه گفت‌گو کند و جالب اینکه وقتی روزنامه «شرق الاوسط» در حال مصاحبه با «برهم صالح» رئیس اقلیم کردستان در مورد سفیر جدید امریکا و دیدارهای فشرده اوست؛ برهم صالح می‌گوید چند ساعت پیش میزبان آقای جفری

جیمز جفری سفیر جدید امریکا در عراق

جیمز جفری سفیر جدید امریکا در عراق

جیمز جفری سفیر جدید امریکا در عراق

جیمز جفری سفیر جدید امریکا در عراق

جیمز جفری سفیر جدید امریکا در عراق

جیمز جفری سفیر جدید امریکا در عراق

جیمز جفری سفیر جدید امریکا در عراق

جیمز جفری سفیر جدید امریکا در عراق

جیمز جفری سفیر جدید امریکا در عراق

جیمز جفری سفیر جدید امریکا در عراق

جیمز جفری سفیر جدید امریکا در عراق

جیمز جفری سفیر جدید امریکا در عراق

جیمز جفری سفیر جدید امریکا در عراق

جیمز جفری سفیر جدید امریکا در عراق

جیمز جفری سفیر جدید امریکا در عراق

جیمز جفری سفیر جدید امریکا در عراق

جیمز جفری سفیر جدید امریکا در عراق

جیمز جفری سفیر جدید امریکا در عراق

جیمز جفری سفیر جدید امریکا در عراق

جیمز جفری سفیر جدید امریکا در عراق

جیمز جفری سفیر جدید امریکا در عراق

جیمز جفری سفیر جدید امریکا در عراق

جهان

ایران

اقتصاد

فرهنگ

ورزش

تاریخ

سفر

تجارت

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

جهان

ایران

اقتصاد

فرهنگ

ورزش

تاریخ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

ایران

اقتصاد

فرهنگ

ورزش

تاریخ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

ایران

مرز بانکداری و سیاستمداری در افغانستان

چند روز پیش بعضی از روزنامه‌های مهم امریکایی، خبرهای نگران‌کننده‌ای را در مورد درگیر شدن «کابل‌بانک» یکی از بزرگ‌ترین بانک‌های خصوصی افغانستان، با بحران نقدینگی منتشر کردند. خبرهای منتشر شده تا حدی جدی بود که مسوولان بانک مرکزی افغانستان با حمایت مستقیم حامد کرزی رئیس‌جمهوری این کشور دو تن از مدیران ارشد این بانک را وادار به استعفا کردند و یکی از مدیران بانک مرکزی را به ریاست این بانک گماشتند.
ظاهراً دلیل اصلی قرار گرفتن کابل‌بانک بر لبه پر نگاه ورشکستگی، رفتار نه‌چندان مسوولانه مدیران این بانک، معاملات مشکوک در این بانک که از سهامداران مهم آن برادر رئیس‌جمهور کرزی و «حسین فقیه» برادر معاون اول رئیس‌جمهوری افغانستان هستند، عنوان شده است.

پس از فروپاشی طالبان و پس از نیم قرن اقتصاد رهبری‌شده، افغانستان بازار آزاد را به عنوان چارچوبی برای تنظیم فعالیت‌های اقتصادی برگزید. پذیرش بازار آزاد به عنوان نظام اقتصادی حمایت دولت از بخش خصوصی را به دنبال داشت. ده‌ها بانک خصوصی وارد رقابت شدند، هزاران نفر به صورت مستقیم یا غیرمستقیم استخدام شدند، شرایط نقل و انتقال آسان‌تر میلیون‌ها دلار از افغانستان به سراسر جهان فراهم شد، سرمایه‌گذاران زیادی از این بانک‌ها پول برای سرمایه‌گذاری‌شان قرض گرفتند و سرمایه‌گذاری کردند. میلیون‌ها افغانی از پس‌اندازهای راکد مردم وارد دوران پویایی اقتصادی شدند، در اثر رقابت بین این بانک‌ها نرخ سود روند نزولی را پیمود و دولت صدها هزار دلار از این بانک‌ها ماهانه مالیات به دست می‌آورد و مهم‌تر از همه دولت با استفاده از بانک‌های خصوصی، حقوق ماهیانه قسمت زیادی از کارمندان را در اسرع وقت در سراسر کشور توزیع می‌کند که خود در تحکیم و تقویت دولت‌داری نقش برجسته‌ای را بازی کرده است. اما

بانک‌های خصوصی و نوپای افغانستان هنوز دچار بعضی آسیب‌های درونی و بیرونی‌اند که فعالیت موثر این بانک‌ها را به شدت تحت‌الشعاع خود قرار داده است، یکی از این آسیب‌ها سیاست‌زدگی بعضی از این بانک‌های خصوصی است که در بحران اخیر کابل‌بانک مشاهده شد. مقامات بلندپایه دولتی که عمدتاً از سهامداران اصلی این بانک‌ها به شمار می‌روند هر از گاهی با استفاده از سپرده‌های میلیونی مردم و قدرت نفوذشان، از این بانک‌ها در راستای استفاده‌های شخصی و مقامات سیاسی خود استفاده می‌کنند. این بانک‌ها از یک طرف برای بقا و دوام خود نیازمند حمایت‌های سیاسی مقامات دولتی هستند و از طرف دیگر این وابستگی، زمینه‌های بیشتر آسیب‌پذیری این بانک‌ها را فراهم کرده است. شاید وابستگی سیاسی بانک‌های خصوصی به مقامات بلندپایه دولتی در شرایط امروز افغانستان یکی از الزامات این بانک‌ها باشد، ولی تا زمانی که بانک‌های خصوصی، مستقل از سیاست و اعمال نفوذ سیاستمداران عمل نکنند، نمی‌توانند آن‌گونه که باید و شاید به وظایفشان عمل کرده و اعتماد مشتریان خود را



جلب کنند. این مساله نمی‌تواند دال بر این موضوع باشد که مقامات دولتی نمی‌توانند سهامدار یک بانک باشند، بلکه هدف این است که حداقل تلاش صورت گیرد تا مدیریت بانک‌ها تا حد زیادی فارغ از وابستگی به سران و مقامات سیاسی، تصمیم‌گیری کنند و اعمال نفوذ شخصی افراد در تصمیم‌گیری‌های مهم را به حداقل برسانند. در اقتصاد مدرن امروزی فعالیت اکثریت شرکت‌های خصوصی به گونه‌ای است که بین مدیریت و مالکیت شرکت تفکیک وجود دارد، به خصوص در شرکت‌هایی که به شدت با سرشود میلیون‌ها انسان گره خورده است و کوچک‌ترین اشتباه در تصمیم‌گیری‌های آنها می‌تواند زندگی میلیون‌ها انسان را به مخاطره اندازد. بانک مرکزی افغانستان نیز دو ماه قبل قانونی را به تصویب رساند که بر اساس آن، بانک‌های خصوصی نمی‌توانند به سهامداران اصلی آن قرضه بپردازند. این قانون می‌تواند یک گام مهم و موثر در جهت کاهش اعمال نفوذ شخصی سهامداران که اکثراً مقام